



توسل به ابزارهای حقوقی برای حل بحران غزه

سیدمحمد عالمی*

چکیده

با حمله حماس در هفتم اکتوبر ۲۰۲۳ به نیروهای اسرائیلی و پاسخ متقابل از جانب رژیم صهیونیستی اسرائیل باری دیگر بحرانی با موضوع فلسطین در عرصه روابط بین‌المللی شکل گرفت که قریب به یک سال از آن گذشته است. هرچند قضیه فلسطین از سال‌های بسیار دور به‌عنوان یک زخم ناسور در بدنه خاورمیانه بحران‌خیز نمایان بوده است، وسعت فجایع رخ داده در اتفاق اخیر که به «طوفان الاقصی» شهرت یافت، افکار عمومی جهان را به شدت تحریک و سیاست‌مداران را ترغیب به جست‌وجوی راه‌حلی برای آن نمود. تا کنون در کنار ابزار نظامی که توسط طرفین منازعه و حامیان آن‌ها برای حل بحران به کار گرفته شده است، دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی به دنبال آن بوده‌اند تا با توسل به روش‌های مسالمت‌آمیز سیاسی و حتی حقوقی به حل بحران مذکور کمک نمایند. در این تحقیق ما برآنیم تا به طرح این پرسش بپردازیم که چه ظرفیت‌هایی و با چه میزانی از تأثیر، در استفاده ابزارهای حقوقی برای حل بحران غزه به کار گرفته شده است؟ برای پاسخ به سوال فوق با مطالعه و بررسی داده‌های کتابخانه‌ای و انترنتی و با رویکردی مبتنی بر واقعیت‌های موجود جامعه بین‌المللی و ضرورت رعایت قواعد بین‌المللی از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده تا این فرضیه محک زده شود که بازیگران بین‌المللی (دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی) از ابزارهای مختلف حقوقی در وضعیت موجود استفاده نموده و هر چند تا کنون منجر به حل بحران نگردیده است، خواهد توانست با تحریک افکار عمومی و اثبات وقوع نقض قواعد توسط طرفین منازعه و یا یکی از اطراف آن، در حل بحران و یا کاهش آن نقش به‌سزایی داشته باشد.

واژگان کلیدی: فلسطین، اسرائیل، محکمه بین‌المللی عدالت، محکمه جزایی بین‌المللی، نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت، جرایم جنگی.

* معاون علمی و تدریسی انستیتوت دیپلوماسی وزارت امور خارجه

مقدمه

در ۷ اکتوبر ۲۰۲۳، نیروهای مستقر حماس در نوار غزه، با فیر ۵ هزار راکت به سرزمین‌های اشغال شده اسرائیل حمله کرد. پس از آن، حدود ۱۰۰۰ تن از نظامیان حماس از دیوار حائل بین نوار غزه و با عبور از ۱۵ نقطه در سرزمین‌های اشغالی، به شهرک‌های صهیونیست‌نشین حمله کردند. در ساعات ابتدایی عملیات، جمعی از شهروندان و نظامیان صهیونیستی توسط حماس دستگیر و به‌عنوان اسیر به غزه منتقل شدند. اسرائیلی‌ها از همان ابتدا در پاسخ به عملیات طوفان الاقصی، مناطق مسکونی و نظامی در نوار غزه را مورد حمله قرار دادند.

حمله به اسرائیل توسط گروه‌های مسلح فلسطینی در غزه در ۷ اکتوبر ۲۰۲۳ که جان حدود ۱۲۰۰ نفر را گرفت، واکنش نظامی تهاجمی اسرائیل را برانگیخت که منجر به سطوح بی‌سابقه تلفات غیرنظامی و تقریباً تخریب کامل منطقه در محاصره شد. قطع آب و برق، بمباران مناطق رهائشی، کشتار افراد ملکی، زنان و اطفال، بمباران پرسنل صحنی و شفاخانه‌ها و استفاده از سلاح‌های ممنوعه از اقداماتی بود که اسرائیل در طول مقابله با نیروهای حماس به کار بسته است. بر اساس احصائیه منتشر شده در سایت رسمی دفتر ملل متحد برای هماهنگی کمک‌های بشردوستانه، تا نگارش این مقاله (۲۰ سنبله ۱۴۰۳) حدود ۴۱ هزار شهید و ۹۵ هزار زخمی و تخریب خانه‌های بی‌شمار از فلسطینیان و حدود ۲ هزار کشته از اسرائیلی‌ها و اتباع خارجی و به همین میزان زخمی حاصل حدود ۱۱ ماه جنگ بوده است (ochaopt.org, 2024).

بنابر آنچه در استراتژی پاسخگویی بشردوستانه بین‌المللی دفتر ملل متحد برای هماهنگی کمک‌های بشردوستانه درباره سرزمین‌های اشغالی فلسطین آمده است، چشم‌انداز غزه از ۷ اکتوبر ۲۰۲۳ اساساً تغییر کرده است. دهه‌ها اشغال، چرخه‌های مکرر درگیری‌ها، بی‌ثباتی سیاسی، و انزوا به دلیل محاصره غزه، دیوار حائل و محدودیت‌های رفت و آمد مردم را به شدت به کمک‌ها برای رفع نیازهای اولیه وابسته کرده است.

نگرانی‌های امنیتی که از قبل نیز وجود داشت، هم در غزه و هم در کرانه باختری، از جمله بیت‌المقدس شرقی، به‌طور تصاعدی تشدید شده است. (OCHA Flash, 2024:8)

هرچند قضیه فلسطین موضوع جدیدی نیست و حدود ۷۰ سال از آغاز اختلافات مرتبط به آن می‌گذرد و در برهه‌های مختلف این سرزمین شاهد جنگ‌های وسیع و شدید بوده و تلاش‌هایی نیز در سطوح مختلف در راستای یافتن راه‌حلی برای حل این معضل صورت گرفته است، اما در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از «طوفان‌الاقصی» اقدامات حقوقی برای ختم بحران و دستیابی به صلح به اشکال مختلف روی دست گرفته شده است. تلاش فلسطین برای عضویت در نهادهای بین‌المللی و کسب جایگاه دولت در تعاملات بین‌المللی، تشکیل کمیسیون مستقل بین‌المللی تحقیق در مورد اراضی اشغالی فلسطین، ارجاع وضعیت فلسطین به محکمه جزایی بین‌المللی، طرح دعوا علیه اسرائیل در محکمه بین‌المللی عدالت مبتنی بر کنوانسیون نسل‌زدایی و مطالبه نظر مشورتی از این محکمه نمونه‌هایی از این اقدامات است.

این که چنین اقداماتی تا چه اندازه می‌تواند در کنار تلاش‌های سیاسی مؤثر واقع گردد، موضوعی است که در این تحقیق تلاش شده تا با رویکردی مبتنی بر مکتب انگلیسی (جامعه بین‌المللی) مورد بررسی قرار گیرد. این مکتب که شاید بتوان آن را تلفیقی از «آرمان‌گرایی» و «واقع‌گرایی» دانست، در کنار قدرت و سیاست، نقش هنجارهای بین‌المللی و حقوق بین‌الملل را مهم دانسته و بر حفظ نظم بین‌المللی، تأمین عدالت و حقوق بشر، نقش نهادهای بین‌المللی و دیپلماسی و مذاکره تأکید دارد.

با چنین رویکردی است که در عین ناکامی تلاش‌های سیاسی، می‌توان ادعا نمود که اقدامات دولت‌ها در پرتو نهادهای بین‌المللی حقوقی همچون حقوق‌بشردوستانه و حقوق‌بشر و سازمان‌های بین‌المللی مانند محکمه عدالت بین‌المللی و محکمه جزایی بین‌المللی می‌توانند افسار آن‌ها را به دست گرفته و رفتارشان را کنترل نمایند که با

استفاده از قدرت اعم از اقتصادی (زر) و نظامی (زور)، قواعد تنظیم‌کننده روابط در جامعه بین‌المللی را نقض کرده و یا آن‌ها را به چالش می‌کشند.

برای رسیدن به هدف این مقاله، پس از بیان چارچوب تئوریک ذیل عنوان حقوق و حل منازعات در عرصه بین‌المللی، اقدامات حقوقی صورت گرفته مرتبط با وضعیت سرزمین‌های اشغالی فلسطین را مرور می‌نماییم تا در نهایت بتوانیم به این نتیجه نایل گردیم که چنین اقداماتی با تحریک افکار عمومی، اثبات نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه خواهد توانست اقدامات ناقض حقوق بین‌الملل اعم از تداوم اشغال، وضع و تطبیق قواعد خلاف حقوق بشر، کشتار غیرنظامیان، حمله به اماکن حفاظت شده، گرسنگی دادن به مردم و... را کاهش داده و در حل بحران‌هایی مانند بحران غزه کارآمد واقع شود.

۱. حقوق بین‌الملل و حل منازعات در عرصه بین‌المللی در تئوری

بروز اختلاف و منازعه از ویژگی‌های جامعه‌ای انسانی است که در آن همه به دنبال کسب منافع خود هستند. در جامعه بین‌المللی نیز تعامل دولت‌ها، در تعارض و تضاد منافع به چالش کشیده شده و اختلافات بروز می‌نماید. اندیشمندان حوزه سیاست بین‌الملل برای تحلیل تعاملات و حل چالش‌ها دو نگاه یا رویکرد را به تجربه نشسته است. نخستین رویکرد، نگاه آرمان‌گرایانه به تعاملات در جامعه بین‌المللی است که هرچند ادامه لیبرالیسم قرن نوزدهم دانسته می‌شود، شاید بتوان مروج آن در قرن بیستم را وودرو ویلسون دانست که با اعلامیه ۱۴ ماده‌ای^۱ پس از جنگ جهانی اول با طرح سازوکارهایی همچون حقوق بین‌الملل، امنیت جمعی، حق تعیین سرنوشت، دیپلوماسی علنی، آزادی کشتیرانی در دریاها، آزاد، کاهش تسلیحات و... برای حفظ صلح، نوید جهانی نوین را داد. باورهای او با وقوع جنگ جهانی دوم با چالش مواجه و مورد انتقادات جدی قرار گرفته و مناظراتی را میان دو جریان در عرصه روابط بین‌الملل شکل

^۱ - Woodrow Wilson Declaration.

داد. در این مناظرات، یک جریان برای فائق آمدن بر ماهیت آنارشیک نظام بین‌الملل موجود سازوکارهای قانونی و حقوقی را ضروری می‌پنداشت و جریان دوم افزایش هر چه بیشتر قدرت نظامی را مهم و اساسی می‌دانست. هرچند در رقابت میان این دو رویکرد، جریان دوم چیره گردیده بود اما نگاه محدود به قدرت آن نمی‌توانست به درک واقعیت‌های موجود در نظام بین‌الملل نایل آید. در چنین شرایطی نظریه پردازان مکتب انگلیسی^۱، با تلفیق دو رویکرد «آرمان‌گرایی» و «واقع‌گرایی» هم نقش قدرت و سیاست را مهم دانستند و هم حقوق و هنجارهای بین‌المللی را دارای اهمیت خواندند (یوسفی جویباری و خورشیدی، ۱۳۹۷: ۵۳۷). به نظر آن‌ها دنیا نه به گونه‌ای کاریکاتوری است که واقع‌گرایان آن را حوزه‌ای فارغ از ارزش به تصویر می‌کشند و نه آن‌قدر خوب و ایده‌آل که توسط آرمان‌گرایان به نمایش درآمده است. «جامعه بین‌المللی» محیطی است که هم قدرت و سیاست در آن ملاک است و هم حقوق در آن نقش برانزده دارد. بنابراین در صحنه سیاست بین‌الملل دولت‌ها تنها درگیر بازی قدرت نیستند بلکه از یک‌سری حقوق و تکالیف هم برخوردارند. از منظر مکتب انگلیسی، اهمیت قدرت و منافع ملی به گونه‌ای که واقع‌گرایان می‌گویند، درست است اما اگر این دیدگاه با تمام نتایج منطقی‌اش پذیرفته شود، دولت‌ها همیشه گرفتار بازی قدرت خواهند بود. از طرف دیگر، اگر مشابه آرمان‌گرایان و یا لیبرال‌ها فرض بر این باشد که تمام روابط میان دولت‌ها مبتنی بر ارزش‌ها و قوانین مشترک است، در تحلیل روابط بین‌المللی ره به بی‌راهه خواهد کشید. از دید مکتب انگلیسی که خردگرایی معرف آن است، دولت ترکیبی از سیاست قدرت و حقوق است که دو جز مهم روابط بین‌الملل اند (جکسون و سورنسن، ۱۳۸۵: ۷۷). از این منظر حتی در محیط آنارشیک بین‌المللی و بدون هیچ دولت مشترکی، مردم می‌توانند خردمندانه تصمیم بگیرند تا در کنار هم زندگی کنند. هدلی بول^۲ به‌عنوان یکی از

^۱ - English School.

^۲ - Hedley Bull.

پایه‌گذاران این مکتب با طرح اصطلاح «جامعه بین‌المللی» تلاش کرد تا جامعه دولت‌ها را هم مانند جامعه انسانی مورد مطالعه قرار دهد. او این واقعیت را پذیرفته است که در محیط داخلی، وجود قدرت برتر باعث اتخاذ تصمیمات الزام‌آور گردیده و چنین قدرت برتری در جامعه بین‌المللی یافت نمی‌شود. بنابراین در این جامعه باید حقوق و هنجارهایی شکل گیرد که متناسب با وضع آشوب‌زده نظام بین‌الملل باشد؛ قواعدی که هم مورد احترام اعضای جامعه بین‌المللی باشد و هم حاکمیت و برابری آن‌ها را نادیده نگیرد. در واقع دنیایی که بول آن را به تصویر می‌کشد، دنیایی حقوقی - سیاسی است که امنیت و صلح بین‌الملل از تعامل میان این دو شکل می‌گیرد (یوسفی جویباری و خورشیدی، ۱۳۹۷: ۵۴۳).

از این منظر برخلاف نگاه رئالیست‌ها، حقوق تنها ابزار اعمال فشار و استواری قدرت نیست؛ بلکه نوعی از قدرت است. حقوق، زندگی اجتماعی آشفته و بی‌سازمان با قدرت‌های شخصی را به نهادهای سازمان‌یافته و به هم پیوسته و منسجم تبدیل و آن را مشروع و برحق می‌سازد. به تعبیری حقوق و اجرای قواعد آن برای استواری حاکمیت ضروری و مفید است. با این وجود نظام حقوق بین‌الملل یک نظام حقوقی ابتدایی و غیرمتمرکز است که دلیل آن نیز به غیرمتمرکز بودن ساختار جامعه بین‌المللی بازمی‌گردد. حقوق داخلی امکان تحمیل توسط مقامات رسمی دولتی را دارد اما حقوق بین‌الملل موجودیت و عملکرد خود را مرهون دو عامل منافع مشترک یا مکمل هر یک از دولت‌ها و توزیع قدرت در میان آن‌ها است تا جایی که اگر منافع مشترک یا موازنه قدرت وجود نداشته باشد، حقوق بین‌الملل شکل نمی‌گیرد. با این وجود از دید مکتب انگلیسی که تأکید آن بر جامعه بین‌المللی است، تأثیر حقوق بین‌الملل بدیهی و غیرقابل انکار و نقش آن تقویت نظم بین‌الملل و حفظ چهارچوب موجود نظام بین‌الملل است (معصومه غنی‌لو و دیگران، ۱۳۹۶: ۵۳-۵۲).

با این وجود از دید این مکتب، حقوق بین‌الملل گاه هم می‌تواند برهم‌زننده موازنه قوا و در نتیجه نظم بین‌الملل محسوب گردد. نمونه چنین فرضی، جایی است که حقوق بین‌الملل مانع از حمله به قدرت کوچکتر جهت حفظ موازنه قواست و یا زمانی که بر مفهومی چون عدالت پافشاری دارد که در این صورت فروپاشی نظم و جامعه دولت‌ها را نشانه گرفته است. بنابراین حقوق بین‌الملل جزء فاکتورهای اصلی جامعه بین‌المللی نیست و کارکردهای آن توسط دیگر ابزارهای این جامعه قابل اجراست. در اینجا است که مکتب واقع‌گرایی و انگلیسی حفظ جامعه دولت‌ها، نظم موجود و موازنه قوای حاکم را ضروری‌تر می‌بیند و حقوق بین‌الملل را به‌عنوان کمک‌کننده به آن و تابعی که ممکن است تحت شرایط مذکور امکان تبارز داشته باشد (معصومه غنی‌لو و دیگران، ۱۳۹۶: ۵۴).

در این جا ما با استفاده از آموزه‌های این مکتب نقش ابزارهای حقوقی به کار رفته در مسیر حل بحران غزه را به بررسی خواهیم گرفت. تلاش دولت فلسطین برای عضویت در نهادهای بین‌المللی، ایجاد کمیسیون مستقل بین‌المللی تحقیق در مورد اراضی اشغالی فلسطین از سوی شورای حقوق بشر و فعالیت این کمیسیون، عملکرد کمیسیون سازش کمیته رفع تبعیض نژادی در مورد سرزمین‌های اشغالی، توسل به محکمه بین‌المللی عدالت با استفاده از صلاحیت صدور رأی مشورتی و رسیدگی ترافیکی به اختلاف دولت‌ها، توسل به محکمه جزایی بین‌المللی با ارجاع موضوع از سوی فلسطین و دیگر اعضای این نهاد بین‌المللی مواردی است که در این تحقیق به‌عنوان ابزارهای حقوقی استفاده شده در رابطه به بحران غزه ذیل مذاقه آمده است.

۲. تلاش دولت فلسطین برای عضویت در نهادهای بین‌المللی

در مکتب «جامعه بین‌المللی» یا مکتب انگلیسی، نهادهای بین‌المللی نقش به‌سزایی در تنظیم تعاملات دولت‌ها با وجود شرایط آنارشیک دارد (Barry Buzan, 2004: 28). عضویت دولت‌ها در نهادهای بین‌المللی نشان‌دهنده تعهد آن‌ها به هنجارها و قواعد

بین‌المللی است و در نتیجه ضمن افزایش مشروعیت و اعتبار آن‌ها، فرصت مشارکت در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی و تأثیرگذاری بر روندهای جهانی را برایشان فراهم می‌سازد. این حضور باعث می‌گردد که آن‌ها در همکاری‌های بین‌المللی در عرصه‌های امنیت، اقتصاد، حقوق بشر و محیط‌زیست سهم بوده و از این طریق در ذیل تأمین ثبات و امنیت بین‌المللی و تأمین منافع مشترک به منافع خویش دست یابند. چنین رویکردی به کاهش تنش در روابط و حل و فصل اختلافات آن‌ها با هزینه‌های کمتر کمک می‌نماید.

فلسطین که حدود ۷۰ سال با چالش مشروعیت و شناسایی به‌عنوان دولت مواجه بوده و در منازعه با رژیم اشغالگر اسرائیل درگیر مخاصمات مسلحانه بوده است، با درک مزایای حضورش در نهادهای بین‌المللی تلاش نموده تا با پذیرش بیش از صد معاهده مهم بین‌المللی همچون کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹)^۱ و کنوانسیون‌های الحاقی آن، کنوانسیون بین‌المللی رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی (۱۹۶۶)^۲، کنوانسیون علیه شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه و غیرانسانی یا تحقیرآمیز (۱۹۸۴)^۳، کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه قاچاق غیرقانونی مواد مخدر و روانگردان (۱۹۸۸)^۴، کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)^۵ و کنوانسیون ممنوعیت سلاح‌های اتمی (۲۰۱۷)^۶ (treaties.un.org) از یک سو و عضویت در سازمان‌های بین‌المللی از جمله ملل متحد، یونسکو و محکمه جزایی بین‌المللی از سوی دیگر، اعضای جامعه بین‌المللی را ترغیب نماید تا موجودیت آن را به‌عنوان یک دولت با شخصیت حقوقی کامل مورد شناسایی قرار دهند.

1 - Geneva Conventions of 12 August 1949.

2 - International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination.

3 - Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment.

4 - United Nations Convention against Illicit Traffic in Narcotic Drugs and Psychotropic Substances.

5 - Convention on the Rights of the Child.

6 - Treaty on the Prohibition of Nuclear Weapons.

قریب به سه دهه پس از عضویت اسرائیل در ملل متحد (نوامبر ۱۹۴۹)، ساف (سازمان آزادیبخش فلسطین)^۱ مطابق قطعنامه مجمع عمومی در سال ۱۹۷۴ به عضویت ناظر این سازمان درآمد (A/Res/3237). از همین سال بود که مجمع عمومی از ساف دعوت کرد که به عنوان ناظر و نماینده مردم فلسطین در امور آن مجمع مشارکت کند. در سال ۱۹۷۷ نیز ساف به عضویت کامل شورای اجتماعی ملل متحد درآمد. شورای ملی فلسطین در سال ۱۹۸۸ استقلال کشور فلسطین را اعلام کرد، اما هیچ دولتی آن را شناسایی نکرد و تنها اثری که داشت این بود که مجمع عمومی طبق قطعنامه (A/RES/43/177) عنوان «فلسطین» را به جای «سازمان آزادیبخش فلسطین» بدون تغییر در جایگاه حقوقی این موجودیت در ملل متحد، استفاده کرد (United Nations, 2008: 24-25). در سال ۱۹۸۹ مجمع عمومی، کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین را به عنوان مسئول دولت موقت فلسطین پذیرفت و اعلام کرد که دولت فلسطین باید در چارچوب ملل متحد تشکیل شود و از سرمنشی خواست موجبات اجرای این امر را فراهم سازد.

در سال ۱۹۹۳ «موافقتنامه اسلو» بین اسرائیل و فلسطین امضا و نمایندگان ایالات متحده و روسیه در ملل متحد به عنوان شاهدان این توافق، طی نامه‌ای به سرمنشی خواستار انتشار آن در میان کشورهای عضو ملل متحد گردیدند. اسرائیل در این موافقتنامه تعهد نموده بود که پنج سال پس از این قرارداد، خودمختاری فلسطین در برخی حوزه‌های سیاسی، حقوقی و نظامی را به رسمیت بشناسد و تشکیلات خودگردان فلسطین به عنوان دولت انتقالی این سرزمین تشکیل شود. یاسر عرفات طی نامه‌ای رسمی به اسحاق رابین، اسرائیل را به رسمیت شناخت و رابین در پاسخ به او، ساف را نماینده مردم فلسطین خواند (United Nations, 2008: 38-39). در جولای ۱۹۹۸ مجمع عمومی وضعیت ناظر را به فلسطین اعطا کرد تا از حقوق و امتیازات اضافی برای مشارکت در نشست‌ها و امورات

^۱ - Palestine Liberation Organization.

^۲ - UN Economic and Social Council (ECOSOC).

مجمع عمومی و کنفرانس‌های بین‌المللی که زیر نظر مجمع و سایر ارکان سازمان تشکیل می‌شود، بهره‌مند گردد (A/RES/52/250).

در پی حوادث یازده سپتمبر ۲۰۰۱ و با در نظر داشت ضرورت صلح پایدار و با ثبات در خاورمیانه، سناریوی تشکیل دو دولت در ملل متحد کلید می‌خورد و شورای امنیت با صدور قطعنامه طرح تشکیل دو دولت فلسطین و اسرائیل را تأیید می‌نماید (S/RES/1397). بر مبنای این قطعنامه در سال ۲۰۰۳ سرمنشی ملل متحد نقشه راهی برای تشکیل دو دولت را تهیه و به شورای امنیت ارائه نمود که به تصویب آن رسید (S/RES/1515). در سال ۲۰۰۵ آریل شارون در اجلاس سالانه مجمع به حق فلسطین برای اعمال حاکمی اقرار طرح فیاض با عنوان «پایان اشغال و تأسیس دولت» روند تشکیل دولت فلسطین را آغاز نمود (بحرینی و رضانی قوام آبادی، ۱۴۰۱: ۶).

در ۲۳ سپتمبر سال ۲۰۱۱ محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان درخواست عضویت در سازمان ملل متحد را به سرمنشی ملل متحد تسلیم نمود (un.org, 2011) که مطابق منشور ملل متحد و طرزالعمل مجمع عمومی و طرزالعمل موقت شورای امنیت به آن‌ها ارسال و پس از ارسال به کمیته فرعی شورای امنیت برای پذیرش عضو جدید، توافقی در زمینه آن حاصل نگردید. با این وجود مسئله عضویت فلسطین در ملل متحد و سازمان‌های مرتبط با آن تا به امروز تحولاتی را به خود دیده است. از جمله در همان سال ۲۰۱۱ کنفرانس عمومی یونسکو با اکثریت دو و ثلث اعضای حاضر عضویت فلسطین را پذیرفته و این دولت ۱۹۵مین عضو یونسکو گردید. مراجعه مستقیم به مجمع عمومی در سال ۲۰۱۲ نیز جایگاه این دولت در نزد ملل متحد را به «دولت [ناظر] غیرعضو» ارتقا داد و تصویب قطعنامه مجمع عمومی با این محتوا اراده جامعه بین‌المللی به شناسایی به عنوان یک دولت را نمایان ساخته و زمینه عضویت آن در دیگر نهادهای بین‌المللی را نیز فراهم ساخت (رضانی قوام آبادی، ۱۳۹۵: ۷-۹). از جمله محمود عباس در ۳۱ دسمبر ۲۰۱۴ اساسنامه محکمه جزایی بین‌المللی را امضا کرد و دولت فلسطین در ۲ جنوری ۲۰۱۵ با

سپردن اسناد الحاق به معاهده رم (اساسنامه محکمه) نزد سرمنشی ملل متحد، عضویت محکمه مذکور را حاصل نمود. اساسنامه از اول آپریل ۲۰۱۵ برای فلسطین لازم‌الاجرا شد و قاضی کانیکو اوزاکی، نایب دوم رئیس محکمه به نمایندگی از رئیس آن، رسمیت یافتن عضویت فلسطین در محکمه را تبریک گفت (بحرینی و رضانی قوام آبادی، ۱۴۰۱: ۸).

پیگیری روند عضویت فلسطین در سازمان ملل متحد باعث گردید تا در سال ۲۰۱۴ قطعنامه‌ای با ۱۱۹ رأی موافق و ۸ رأی مخالف و ۴۵ رأی ممتنع به دولت فلسطین و واتیکان حق دهد که بیرق خود را در کنار بیرق دولت‌های عضو نصب نمایند (GA/11676). هم‌چنین در اکتوبر سال ۲۰۱۸ با پیشنهاد دولت مصر، به دلیل ریاست فلسطین بر گروه ۷۷ در سال ۲۰۱۹ برخی حقوق خاص از جمله نمایندگی از این گروه و ایراد بیانیه و... به دولت فلسطین داده شده که فراتر از حقوق یک دولت ناظر غیرعضو بود (A/RES/73/5). این تصمیم مجمع عمومی نشان می‌دهد که عضویت دولتی مانند فلسطین در یک سازمان بین‌المللی می‌تواند اثرات مهمی در پرتو حقوق بین‌الملل داشته باشد؛ چنان‌که دولتی مانند فلسطین که به عضویت پذیرفته نشده و موانع فراوانی سد راه آن وجود دارد، می‌تواند از حقوق فراوانی که یک دولت غیرعضو نمی‌تواند داشته باشد، بهره‌مند گردد.

در ادامه این روند در دوم اپریل ۲۰۲۴ باری دیگر نامه‌ای از دولت فلسطین به سرمنشی برای از سرگرفتن رسیدگی به درخواست سال ۲۰۱۱ ارسال گردید ولی بحث پیرامون آن در شورای امنیت در ۸ اپریل ۲۰۲۴، با وتوی ایالات متحده مواجه شد (press.un.org, 2024). با این وجود مجمع عمومی در ۹ می ۲۰۲۴ با صدور قطعنامه‌ای جایگاه هم‌تراز با یک دولت را به آن داد و از شورای امنیت خواست تا با دید مثبت باری دیگر عضویت این دولت را مورد بررسی قرار دهد (A/ES-10/L.30/Rev.1). آن‌چه از

این قطعنامه قابل برداشت است این که مجمع عمومی تلاش نموده در چارچوب حقوق سازمان و بدون تعرض به صلاحیت‌های دیگر ارگان‌های ملل متحد، درحالی که دولت فلسطین عضویت سازمان ملل متحد را ندارد، آن را به عضویت مجمع عمومی درآورد و امتیازاتی مانند قرار گرفتن نام آن در ردیف الفبایی نام دولت‌های عضو، تدوین و ارائه پیشنهادها و اصلاحات به‌همراه دیگر دول یا به نمایندگی از گروهی از دولت‌ها، ارائه بیانیه به نمایندگی از مجموعه‌ای از دولت‌ها از جمله در تدوین و ارائه پیشنهادها و اصلاحات، پیشنهاد افزودن مواردی به دستور جلسات عادی و ویژه در مجمع عمومی و حق درخواست گنجانیدن موارد تکمیلی یا اضافه به برنامه جلسات عادی یا ویژه، حق اعضای نمایندگی دولت فلسطین برای انتخاب شدن به‌عنوان افسر کمیته‌های موقت یا اصلی مجمع عمومی، و حق مشارکت کامل و مؤثر در کنفرانس‌های ملل متحد و کنفرانس‌های بین‌المللی که تحت نظارت مجمع عمومی، یا در صورت امکان تحت نظارت ارگان‌های ملل متحد، برگزار می‌شود. به نظر می‌رسد که بنابر تصمیم اخیر مجمع عمومی این دولت تنها حق رأی را ندارد که البته ماهیت و هسته اصلی مفهوم عضویت وابستگی مستقیم به آن دارد.

چنان‌که تا به این جا بیان گردید، دولت فلسطین با تلاش برای کسب عضویت در نهادها و سازمان‌های بین‌المللی توانسته است از یک سو این باور را تقویت بخشد که پذیرش این دولت به‌عنوان عضو می‌تواند در تقویت ایده دو دولت مؤثر باشد که در تثبیت صلح و امنیت بین‌المللی مفید خواهد بود. ایجاد چنین باوری در به رسمیت شناختن آن توسط دولت‌های مختلف و افزایش شمار دولت‌هایی که دولت فلسطین را به رسمیت شناخته‌اند، مؤثر بوده است. از سوی دیگر این تلاش‌ها منجر به این گردیده است که دولت فلسطین در سازمان‌هایی مانند محکمه جزایی بین‌المللی از جایگاه یک دولت عضو برخوردار گردد. علاوه بر این هر چند نتوانسته در سازمان ملل متحد به‌عنوان دولت عضو پذیرفته شود، جایگاه و امتیازات نزدیک به آن را به دست آورده است. مبتنی

بر آنچه نظریه پردازان مکتب «جامعه بین المللی» به آن باور دارند، حضور دولت فلسطین در نهادها و سازمان‌های بین المللی به این دولت قدرت بازیگری و نقش آفرینی در مقابل فعالیت‌های احتمالاً غیرحقوقی و نامشروع رژیم صهیونیستی اسرائیل و حامیان آن را داده است. فلسطین می‌تواند با استفاده از ظرفیت موجود در جامعه بین المللی و توسل به نهادها و قواعد موجود در سازمان‌های بین المللی که برای تطبیق عدالت بین المللی و حفظ نظام موجود جامعه بین المللی تعیبه گردیده است و دیگر دولت‌های عضو نیز خود را مکلف به صیانت از آن می‌دانند، در دفع خطرات اسرائیل و رسیدن به منافع خویش بهره جوید.

۳. ایجاد کمیسیون مستقل بین المللی تحقیق در مورد اراضی اشغالی فلسطین

در ۲۷ می ۲۰۲۱، شورای حقوق بشر نشست ویژه‌ای با موضوع «وضعیت شدید حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از جمله اورشلیم شرقی»^۱ برگزار کرد و قطعنامه «تضمین احترام به قواعد بین المللی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین المللی در سرزمین اشغالی فلسطین از جمله اورشلیم شرقی و در اسرائیل»^۲ را تصویب کرد (ohchr.org, 2021).

شورای حقوق بشر طی قطعنامه خود تصمیم گرفت «فوراً یک کمیسیون تحقیق بین المللی مستقل تشکیل شود و در مورد همه موارد ادعایی نقض حقوق بشردوستانه بین المللی و قواعد بین المللی حقوق بشر در سرزمین اشغالی فلسطین، از جمله قدس شرقی و در اسرائیل از ۱۳ اپریل ۲۰۲۱ تحقیق نماید». این قطعنامه هم‌چنین از کمیسیون تحقیق خواسته است تا «تمام علل ریشه‌ای تنش‌های مکرر، بی‌ثباتی و طولانی شدن درگیری‌ها، از جمله تبعیض و سرکوب سیستماتیک براساس هویت ملی، قومی، نژادی یا مذهبی را

¹ - the Grave Human Rights Situation in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem.

² - Ensuring respect for international human rights law and international humanitarian law in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and in Israel.

بررسی کند». کمیسیون تحقیق موظف است به صورت سالانه به شورای حقوق بشر و مجمع عمومی گزارش دهد (A/HRC/RES/S-30/1).

کمیسیون مذکور در گزارشی (A/HRC/56/26) که براساس قطعنامه فوق‌الذکر شورای حقوق بشر ملل متحد در جلسه پنجاه و ششم ۱۸ جون تا ۱۲ جولای ۲۰۲۴ ارائه داد، پس از ارزیابی چوکات حقوقی حاکم بر مناطق درگیری و احراز وضعیت اشغال نظامی توسط اسرائیل، به بررسی نقض قواعد بین‌المللی حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و جنایات بین‌المللی احتمالی توسط همه اطراف منازعه در بازه زمانی ۷ اکتوبر تا ۳۱ دسمبر ۲۰۲۳ پرداخته است. ساختار گزارش کمیسیون بر سه محور احراز وقایع، تحلیل حقوقی آنها و ارائه توصیه‌های لازم به ذی‌نفعان استوار است. کمیسیون برای رسیدن به یافته‌های عینی و حقوقی، از همان سبک معمول روش و استاندارد اثباتی از طریق مصاحبه و یافته‌های واقعی و حقوقی استفاده کرده و وقایع متعددی را احراز نموده است که بخش عمده‌ای از آنها به طوفان الاقصی و تاریخ پس از آن مرتبط است. در تحلیل حقوقی یافته‌ها، کمیسیون گروه‌های مسلح فلسطینی و غیرنظامیان فلسطینی را که مشارکت مستقیم در درگیری داشته‌اند، متهم به ارتکاب جنایت جنگی برای هدایت عمدی حملات علیه غیرنظامیان، قتل یا کشتار عمدی، گروگان‌گیری، شکنجه، رفتار غیرانسانی یا ظالمانه، تخریب یا مصادره اموال، هتک حرمت و کرامت افراد، و نقض قواعد حقوق بین‌الملل بشر و بشردوستانه به‌ویژه اصل تفکیک دانسته است. از سوی دیگر کمیسیون، مقامات و نیروهای امنیتی اسرائیلی را متهم به ارتکاب جنایت جنگی، تحمیل گرسنگی به‌عنوان روش جنگی، هدایت عمدی و گسترده حملات علیه غیرنظامیان، اشیاء و اماکن غیرنظامی، قتل یا کشتار عمدی، انتقال اجباری و آوارگی، خشونت جنسی، رفتار غیرانسانی و ظالمانه، هتک حرمت و کرامت افراد، جنایت علیه بشریت در قالب حمله گسترده یا سیستماتیک علیه جمعیت غیرنظامی، کشتار، آزار و اذیت جنسیتی، شکنجه و رفتار ظالمانه، انتقال اجباری جمعیت، و نقض قواعد حقوق بین‌الملل بشر و

حقوق بشردوستانه در حمایت‌های خاص از اطفال و زنان، به‌ویژه اصول تفکیک^۱، احتیاط^۲ و تناسب^۳ دانست (A/HRC/56/26: para.73-85).

پس از جمع‌بندی نهایی گزارش و تحلیل حقوقی آن، کمیسیون با در نظر گرفتن شرایط و ویژگی‌های خاص حاکم بر وضعیت منطقه و ابعاد جهان‌شمول آن که علاوه بر اطراف مخاصمه، کل جامعه بین‌المللی را نیز در حوزه‌های مختلف تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، توصیه و پیشنهادهایی را به مخاطبین و طرف‌های مستقیم یا با واسطه این وضعیت ارائه می‌دهد (A/HRC/56/26: para.108-113). کمیسیون با نگاهی واقع‌گرایانه و مدنظر قراردادن عملکرد نهادها و سازوکارهای پراکنده قدرت در عرصه بین‌المللی در رعایت قواعد حقوق بین‌الملل، گام بزرگی به پیش گذاشته نهادهای بین‌المللی ذی‌صلاح را دخیل ساخته است. بدین منظور از دید کمیسیون، شورای امنیت وظیفه دارد که با توجه به تداوم تهدید برای صلح و امنیت بین‌المللی و شدت جنایات، طبق فصل هفتم منشور سازمان ملل، از اسرائیل بخواهد تا فوراً به قطعنامه ۲۷۳۵ مصوب ۱۰ جون ۲۰۲۴ شورای امنیت (S/RES/2735) که در آن توافق آتش‌بس سه مرحله‌ای جامع برای پایان دادن به جنگ در غزه پیشنهاد شده و از اسرائیل و حماس خواسته تا آن را به‌طور کامل و بدون تأخیر و پیش شرط اجرا کنند، عمل نماید و به محاصره غزه پایان دهد و بار دیگر بر حق مردم فلسطین برای تعیین سرنوشت خود تأکید نماید (A/HRC/56/26: para.110).

افزون بر شورای امنیت، کمیسیون از سرمنشی ملل متحد نیز خواسته است که نام اسرائیل را در ضمائم گزارش سال بعد سرمنشی در ارتباط با اطفال و مخاصمات مسلحانه، مطابق با قطعنامه ۱۳۷۹ شورای امنیت (۲۰۰۱) و قطعنامه‌های بعدی بگنجانند، و کارگروه دولتی را برای نظارت و گزارش‌دهی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین پایه‌گذاری نماید

1 - Distinction.

2 - Precaution.

3 - Proportionality.

(A/HRC/56/26: para.111). توصیه مهم دیگر کمیسیون به دولت‌های عضو محکمه جزایی می‌باشد که از آن‌ها خواسته شده، با حمایت و همکاری کامل خود با تحقیقات دفتر ثارنوالی محکمه مذکور در مورد وضعیت دولت فلسطین، نقش مؤثری در توسعه و اجرای عدالت در سطح جهانی، جلوگیری از مجازات نشدن مجرمان، کاهش وقوع جرائم بین‌المللی و مجازات عاملان آن‌ها داشته باشند (A/HRC/56/26: para.113).

چنان‌که مشاهده شد، کمیسیون مستقل بین‌المللی به‌عنوان نهادی ایجاد شده از سوی شورای حقوق بشر تلاش دارد تا آن‌گونه که در مکتب جامعه بین‌المللی بر آن اذعان شده است، در تطبیق حقوق بین‌الملل و حقوق بشر بین‌المللی، اجرای عدالت در عرصه جهانی نقش ایفا نموده، تا از این طریق در حفظ نظام بین‌المللی موجود مؤثر واقع گردد.

۴. ایجاد کمیسیون سازش کمیته رفع تبعیض نژادی در مورد سرزمین‌های

اشغالی

کمیسیون سازش کمیته رفع تبعیض نژادی در مورد سرزمین‌های اشغالی یکی از نهادهای موقت شکل‌گرفته در بستر حقوق بین‌الملل مرتبط با موضوع فلسطین است که پس از عدم مصالحه اسرائیل و فلسطین براساس بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی (۱۹۶۵) در ۳۰ نوامبر ۲۰۲۱ توسط اعضای هجده‌گانه کمیته رفع تبعیض نژادی تشکیل گردید و متشکل از پنج کارشناس حقوق بشری مستقل و غیر از اتباع طرفین اختلاف است.

سابقه تشکیل کمیسیون مذکور به ادعای فلسطین علیه اسرائیل مبتنی بر مواد ۱۱ تا ۱۳ کنوانسیون مذکور باز می‌گردد. فلسطین در اطلاعیه خود مدعی تبعیض سیستماتیک اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی گردیده است که طی رسیدگی موضوع در کمیته رفع تبعیض نژادی، در ابتدای امر این شکایت توسط اسرائیل غیرقابل پذیرش مدعی علیه شد.

¹ - International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination (1965).

اسرائیل در این زمینه ادعا نموده که فلسطین حائز شرایط دولت بودن مطابق حقوق بین‌الملل نیست و اسرائیل آن را به‌عنوان دولت عضو کنوانسیون به‌رسمیت نمی‌شناسد. هم‌چنین عنوان داشته بود که فلسطین از رویه‌های ثبت شکایت بین‌دولتی، به‌ویژه، این الزام که فلسطین تمام ظرفیت‌های قضایی بالقوه داخلی از جمله استفاده از محاکم داخلی را طبق بند سوم ماده ۱۱ کنوانسیون رعایت نکرده است (CERD/C/103/R.6, para. 8, 27). فلسطین در مقابل استدلال نمود که محاکم اسرائیل مکان مناسبی برای طرح دعوا علیه اسرائیل و مقامات اسرائیلی برای نقض حقوق نیستند. هم‌چنین نقض‌های اسرائیل نه فردی بلکه سیستماتیک و شامل روند اداری هستند. این نقض‌های سیستماتیک نتیجه ماهیت مغرضانه قوانین ملی اسرائیل، عدم دسترسی فلسطینیان به محاکم اسرائیل و عدم استقلال دستگاه قضایی آن هستند. در نتیجه بررسی ادعای دو طرف، کمیته در ۲۱ می ۲۰۲۱ شکایت فلسطین را قابل پذیرش دانسته و اعلام داشت که اسناد و شواهد ارائه شده توسط فلسطین به‌میزانی است که بتواند ثابت نماید نقض‌های رخ داده بخشی از عملکرد و سیاست عمومی هستند. به این ترتیب، کمیته در پایان گزارش خود خواستار تشکیل کمیسیون سازش گردید (CERD/C/103/R.6, para. 66).

در پی این نتیجه‌گیری، بنابر دستور رئیس کمیته مطابق ماده ۱۱ کنوانسیون، کمیسیون سازش با کارشناسانی از جامائیکا، پولند، ترکیه، کوریای جنوبی و آفریقای جنوبی کارش را آغاز نمود. هرچند با وجود ماهیت الزام‌آور این روند، اسرائیل همکاری لازم را انجام نداد، کمیسیون بر اساس مواد ۱۲ و ۱۳، وظایف محوله خویش را پیش برده و پس از اعلام این که بخشی از اراضی اشغالی که اسرائیل بر آن‌ها اعمال کنترل موثر دارد، شامل نوار غزه، قدس شرقی و کرانه باختری رود اردن، مشمول بررسی اتهامات تبعیض نژادی است، توصیه‌هایش جهت حل و فصل اختلاف فی‌مابین را ارائه نمود.

کمیسیون در گزارش نهایی خود نتیجه گرفته است که تضمین حق تعیین سرنوشت فلسطینیان برای صلح پایدار و برخورداری کامل از حقوق مندرج در کنوانسیون توسط هر دو جانب حیاتی است. مزاد بر این اسرائیل من حیث قدرت اشغالگر موظف به تضمین این است که تبعیض نژادی، بی‌ثباتی و موانعی جهت برخورداری و استفاده از حق تعیین سرنوشت در اراضی تحت اشغال وجود ندارد. هم‌چنین علاوه بر ادعاهای جدی دولت فلسطین در مورد خشونت‌های انجام شده توسط شهرک‌نشینان یهودی، گزارش‌های جدید حاکی از آن است که از ۷ اکتوبر ۲۰۲۳، این شهرک‌نشینان با حمایت نیروها و مقامات اسرائیلی به ارتکاب خشونت با انگیزه نژادی علیه فلسطینی‌ها در کرانه باختری و اورشلیم شرقی ادامه داده‌اند. کمیسیون بر این عقیده است که پرداختن به موضوع امنیتی مطرح شده توسط اسرائیل، بدون تضمین برخورداری از حقوق برابر برای همه فلسطینی‌ها و هم‌چنین اسرائیلی‌ها، غیرواقعی بوده و قابل اثبات نیست. هم‌چنین درباره نحوه و شیوه اقدامات نظامی، قدرت اشغالگر دارای مسئولیت حداکثری در حفاظت از افراد ملکی است. بنابراین مطابق حقوق بشردوستانه رعایت اصول تفکیک، احتیاط و تناسب ضروری هستند. در این راستا اظهارت وزیر دفاع اسرائیل و مانند «عملیات علیه حیوانات انسان نما» باعث نگرانی جدی کمیسیون است. کمیسیون هم‌چنین افزایش وخامت اوضاع و کشتارهای افراد ملکی و تخریب شمار زیادی از تعمیرهای ملکی در نتیجه عملیات نظامی اسرائیل در غزه را بی‌سابقه و مغایر با قوانین بشردوستانه بین‌المللی دانسته است (CERD/C/113/3, para.41-45).

در گزارش کمیسیون پس از تذکر دستاوردهای تحقیقات کمیسیون سازش، اقدام به صدور توصیه‌هایی خطاب به دولت اسرائیل کرده است که شامل رعایت اصول تفکیک، تناسب و احتیاط در عملیات‌های نظامی، خاتمه دادن فوری به حملات علیه افراد ملکی که در مخاصمات مشارکت مستقیم و فعال ندارند، پایان دادن به فعالیت‌های شهرک‌سازی در اراضی اشغالی فلسطین از جمله قدس شرقی مطابق قطعنامه‌های مصوب شورای امنیت

و ایجاد یک نهاد ملی مستقل برای رسیدگی به شکایات با ماهیت تبعیض نژادی از سوی شهروندان فلسطینی می‌باشد (CERD/C/113/3, para.51-56).

کمیسیون سازش اختلاف میان طرفین را یک بحران سیاسی چند ساله دانسته که چالش‌های حقوق بشری را خلق نموده و از شورای امنیت ملل متحد خواسته است تا برای حل آن، اقدام به موضع‌گیری صریح در رسیدگی به ادعای‌های تبعیض نژادی فلسطینیان علیه اسرائیل نماید (CERD/C/113/3, para.54(a)).

ارزیابی اقدام کمیته رفع تبعیض نژادی به‌عنوان یک نهاد حقوق بین‌الملل و هم‌چنین کمیسیون سازشی که براساس تصمیم کمیته ایجاد گردیده است، در چارچوب مکتب انگلیسی نشان می‌دهد که هر دو نهاد مذکور، تلاش خود را برای حفظ نظم بین‌المللی به‌ویژه از طریق تعمیم و تطبیق حقوق بشری و عدالت بین‌المللی به انجام رسانده است و پس از بررسی دقیق موضوع، ضمن توصیه‌هایی به طرفین اختلاف، شورای امنیت را به‌عنوان رکن مهم اجرایی ملل متحد که وظیفه اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عهده آن است، خطاب قرار داده و خواستار موضع‌گیری صریح این نهاد گردیده است.

۵. توسل به محکمه بین‌المللی عدالت

براساس نظریه «جامعه بین‌المللی»، در محیط بین‌الملل علی‌رغم وجود دولت‌های مختلف با سطوح مختلف از قدرت، قدرت برتری وجود ندارد تا بتواند نظم‌دهنده روابط باشد. بنابراین در چنین جامعه‌ای آنارشیک باید حقوق و هنجارهایی شکل بگیرد که هم مورد احترام تمامی اعضای جامعه بین‌المللی باشد و در عین حال حاکمیت و برابری آن‌ها را نادیده نگیرد. اما منفعت‌طلبی دولت‌ها به‌ویژه دولت‌های قدرتمند باعث نقض قواعد و حقوق بین‌الملل از سوی آن‌ها می‌گردد. این جاست که باید با درک اهمیت حفظ حقوق بین‌الملل و نظم موجود و یا حفظ توازن قوا دست به اقدام زد. در جامعه بین‌المللی امروز حفظ نظم بین‌المللی و یا به تعبیر منشور ملل متحد «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی»

هدف اصلی ملل متحد و فعالیت در راستای آن از وظایف عمده ارکان اصلی آن به‌ویژه شورای امنیت ملل متحد است.

محکمه بین‌المللی عدالت از ارکان اصلی و رکن قضایی ملل متحد است که مانند دیگر ارکان سازمان در ایجاد و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مشارکت دارد. برای این مقصود مکلف گردیده است تا براساس ماده ۳۸ اساسنامه خود قواعد حقوقی موجود را اعمال کند. در دوران جامعه ملل و حاکمیت حقوق اروپایی، دولت‌ها از محکمه توقع داشتند که تنها به‌عنوان یک مرجع قضایی حل و فصل اختلافات عمل کند ولی با تغییر در ساختار ملل متحد و محکمه کنونی، در خصوص رویکرد پوزیتویست آن تردید به‌وجود آمده است و دیگر ماده ۳۸ اساسنامه آن مانعی در جهت کنشگری قضایی محکمه نیست و این محکمه در عمل خود را ملزم به حقوق موضوعه و اطاعت محض از دولت‌های حاکم نمی‌داند. این نهاد امروزه در جایگاه نهادی شبه قانون‌گذار ظاهر شده و در مواردی قاعده حقوقی را تفسیر و بر مصداق جدید اعمال می‌نماید و یا در قضیه‌ای پسین، قاعده حقوقی اشتباه پیشین را اصلاح و قاعده مناسبی را ایجاد می‌کند و در حقیقت ابعاد وسیع‌تر اعمال آن قاعده را نمایان می‌کند و در برخی مواقع خلاء حقوقی را رفع می‌نماید (حیبی و شاملو، ۱۳۹۲: ۱۱۰).

در حال حاضر محکمه بین‌المللی دادگستری براساس مفاد اساسنامه آن هم دارای صلاحیت ترافعی در اختلافات ارجاع شده از سوی دولت‌ها هم دارای صلاحیت صدور آرای مشورتی در صورت مطالبه ارکان ملل متحد و سازمان‌هایی است که منشور ملل متحد به او چنین اجازه‌ای را داده است. در مورد وضعیت فلسطین و بحران غزه محکمه هم از ظرفیت صلاحیت مشورتی و هم از صلاحیت ترافعی دیوان استفاده صورت گرفته است که در ذیل به بررسی مواردی از آن‌ها خواهیم پرداخت:

۵-۱. آراء مشورتی مطالبه شده از سوی مجمع عمومی

در ۱۴ اپریل ۲۰۰۲ رژیم اسرائیل تصمیم گرفت شبکه‌ای از دیوار و موانعی را که

«دیوار حائل» نامیده شد را در کرانه باختری رود اردن بسازد. از آنجایی که ساخت این شبکه می‌توانست آثار و تبعات انسانی، اجتماعی و اقتصادی برای مردم فلسطین داشته باشد، مجمع عمومی ملل متحد در دسامبر ۲۰۰۳، براساس مواد ۹۶ منشور ملل متحد و ۶۵ اساسنامه محکمه بین‌المللی عدالت نظر «دیوان بین‌المللی دادگستری» را در رابطه با آثار و پیامدهای ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین مطالبه نمود (A/RES/ES-10/14). محکمه نیز موضوع را مورد بررسی قرار داده و در ۹ جولای ۲۰۰۴ رأی مشورتی خویش را صادر نمود که در ۷ بند پایانی آن ساخت دیوار مذکور و ترتیبات (حقوقی و اداری) مربوط به آن خلاف حقوق بین‌الملل دانسته شد و اسرائیل خواسته شده است که با متوقف ساختن عملیات احداث دیوار و لغو تمام قوانین مقررات مرتبط با آن به نقض حقوق بین‌الملل خاتمه دهد. هم‌چنین در رأی مذکور اسرائیل مسئول پرداخت خسارات ناشی از اقدام انجام شده در رابطه با احداث دیوار دانسته شده است. از تمامی دولت‌ها خواسته شده است که وضعیت غیرقانونی ناشی از ساخت دیوار حائل را به رسمیت نشناخته و برای حفظ وضعیت ایجاد شده هیچ کمک و مساعدتی ننمایند. هم‌چنین دولت‌ها باید اسرائیل را وادار به رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه نمایند. در این رأی از ملل متحد به‌ویژه مجمع عمومی و شورای امنیت خواسته شده است تا بررسی نمایند که برای پایان بخشیدن به وضعیت غیرقانونی ناشی از ساخت دیوار و ترتیبات (حقوقی و اداری) مربوط به آن، چه اقدامات تازه‌ای باید اتخاذ شود (I.C.J. Reports 2004). در ابتدای سال ۲۰۲۳ نیز مجمع عمومی باری دیگر با مهم دانستن بحران فلسطین و اقدامات غیرقانونی اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی، به محکمه بین‌المللی عدالت متوسل شده و با صدور قطعنامه‌ای که براساس مواد ۹۶ منشور ملل متحد و ۶۵ اساسنامه محکمه بین‌المللی عدالت خواستار نظر مشورتی محکمه در رابطه با «پیامدهای ناشی از سیاست‌ها و عملکرد اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از جمله بیت‌المقدس شرقی» گردید

(A/RES/77/247). محکمه نیز پس از بررسی موضوع در ۹ جولای ۲۰۲۴ رأی مشورتی خود در این زمینه را صادر نمود. در این رأی که تا حدود زیادی مبتنی بر حقایق و یافته‌های رأی مشورتی سال ۲۰۰۴ و متأثر تحولات بعد از ۱۷ اکتوبر ۲۰۲۳ و هم‌چنین طرح دعاوی دیگر از سوی افریقای جنوبی علیه اسرائیل و نیکاراگوئه علیه آلمان (مرتبط به حمایت از اقدامات اسرائیل) نیز می‌باشد، دیوان در ۹ بند پایانی آن ضمن غیرقانونی خواندن حضور اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی، اسرائیل را ملزم به خاتمه بخشیدن این حضور غیرقانونی دانسته و خواسته است که تا شهرک‌سازی را به تعلیق درآورده و این سرزمین‌ها را از شهرک‌نشینان تخلیه نماید. هم‌چنین مانند رأی مشورتی سال ۲۰۰۴، جبران خسارات وارده به اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با سرزمین‌های اشغالی را متوجه اسرائیل دانسته است. در این رأی باری دیگر از تمام دولت‌ها خواسته شده است تا وضعیت ناشی از اشغال فلسطین را به رسمیت نشناسند. هم‌چنین تصریح گردیده است که ضمن اینکه سازمان‌های بین‌المللی از جمله ملل متحد متعهداند که وضعیت ایجاد شده ناشی از اشغال را به‌عنوان وضعیتی قانونی شناسایی ننمایند، مجمع عمومی و شورای امنیت ملزم دانسته شده‌اند که شیوه‌های دقیق و اقدامات لازم بعدی را برای خاتمه بخشیدن سریع به حضور غیرقانونی اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی، مدنظر قرار دهند (I.C.J. Reports 2024).

چنانکه در دو رأی مشورتی بالا واضح گردیده است، محکمه بین‌المللی دادگستری اقدامات انجام اسرائیل در سرزمین‌های اسرائیلی را غیرقانونی مدعی علیه و هیچ وضعیت ایجاد شده ناشی از حضور قانونی اسرائیل در فلسطین را قابل شناسایی نمی‌داند. رأی اخیر نشان می‌دهد که در خلال ۲۰ سال نه تنها تغییری در این نظر محکمه ایجاد نگردیده است که محکمه بر مطالبات خود از سازمان‌های بین‌المللی و ملل متحد به‌ویژه مجمع عمومی و شورای امنیت این سازمان که ممکن است تصمیمات و اقدامات‌شان

متأثر از سیاست دولت‌های عضو از جمله حامیان اسرائیل قرار گیرد، پافشاری بیشتری نموده است.

۲-۵. طرح دعاوی مبتنی بر کنوانسیون ژنوسید

کنوانسیون جلوگیری و مجازات جنایت نسل‌زدایی یا ژنوسید^۱ که در دسامبر سال ۱۹۴۸ توسط قطعنامه مجمع عمومی به تصویب رسید و در جنوری سال ۱۹۵۱ لازم‌الاجرا گردید، از نهادهای مهم حقوق بین‌الملل است. براساس ماده یک کنوانسیون مذکور، طرف‌های متعاقد تصدیق و تأیید نموده‌اند که نسل‌زدایی اعم از این که در زمان صلح یا جنگ انجام شود، براساس حقوق بین‌الملل یک جنایت دانسته می‌شود و تعهد می‌کنند که از آن جلوگیری نموده و مرتکبان آن را مجازات نمایند. بارها قضایایی مرتبط با کنوانسیون ژنوسید در محکمه بین‌المللی عدالت طرح و مورد رسیدگی قرار گرفته است که می‌توان به رأی مشورتی ۱۹۵۱ راجع به مشروعیت حق شرط بر کنوانسیون ژنوسید (I.C.J. Reports, 1951)، قضیه بوسنی و هرزگوین علیه صربستان و مونته‌نگرو (I.C.J. Reports, 1996 & 2007)، قضیه کرواشیا علیه صربستان (I.C.J. Reports, 2008 & 2015)، قضیه گامبیا علیه میانمار (I.C.J. Press release, 2019/47) و اوکراین علیه روسیه (I.C.J. Press release, 2022/4) اشاره نمود.

لازم به ذکر است از آنجایی که کنوانسیون ژنوسید یک تعهد عام بین‌المللی است و دستاوردهای محکمه به‌ویژه پس از طرح دعاوی گامبیا علیه میانمار در رابطه به عام‌الشمول بودن تعهدات ناشی از کنوانسیون منع نسل‌زدایی، امکان ادعای اعضای کنوانسیون بدون ارتباط مستقیم با دولت ناقض و اتهامات نقض مفاد کنوانسیون و نیز ماهیت دستور موقت محکمه از جمله وجود برخی موارد ارتباط میان جنگ و نسل‌زدایی، نتایج مثبتی است که می‌تواند در راستای کاهش جنایات در مخاصمات مفید واقع گردد.

¹ - Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (1948).

امید ایجاد شده از طریق رویه محکمه در رابطه به دعاوی اخیر مرتبط با کنوانسیون ژنوسید باعث گردید که پس از طوفان الاقصی در ۷ اکتوبر ۲۰۲۳ و افزایش جنایات رژیم صهیونیستی اسرائیل علیه فلسطینی‌ها، افریقای جنوبی در دسمبر ۲۰۲۳ دعوایی را مبتنی بر این کنوانسیون با این ادعا علیه اسرائیل طرح نماید که اسرائیل هم مرتکب نسل‌زدایی گردیده و هم در جلوگیری و مجازات این اقدامات در غزه کوتاهی نموده است (I.C.J. Press release, 2023/77). هم‌چنین نیکاراگوئه نیز مرتبط به اقدامات اسرائیل در فلسطین دعوایی را علیه آلمان مطرح و ادعا کرده است که آلمان به دلیل همکاری با اسرائیل و نیز عدم جلوگیری از نقض ارتکاب نسل‌زدایی، تعهدات عام بین‌المللی خویش را نقض نموده است (I.C.J. Press release 2024/19).

۵-۲-۱. طرح دعوی افریقای جنوبی علیه اسرائیل

بحران حل نشده فلسطین با سابقه‌ای تقریباً برابر با عمر ملل متحد و تأثیرات فراوان آن بر منطقه و جهان به تعبیری برخی به‌عنوان یکی از نقاط ضعف نظام حقوق بین‌الملل است. تاکنون واقعیت‌های زیادی در مورد وقوع انواع جرایم شدید بین‌المللی افشا شده و نویسندگان بسیاری در آثار خود به بررسی این واقعیت‌ها چه از منظر حقوقی و چه سیاسی پرداخته‌اند. در کنار آن، اقدامات سیاسی فراوانی نیز در این زمینه روی دست گرفته شده است اما فرصتی پیش نیامده بود تا یک نهاد قضایی بین‌المللی از منظر حقوقی و یا جزایی به آنچه در این سرزمین رخ داده است، بپردازد. دولت افریقای جنوبی شاید با هدف پایان دادن به رنج ناشی از این غده سرطانی در پیکره جامعه بین‌المللی در دسمبر ۲۰۲۳ با استفاده از تجربه طرح ادعا علیه ناقضین کنوانسیون ژنوسید و مبتنی بر مواد ۸ و ۹ کنوانسیون مذکور، علیه اسرائیل اقامه دعوی و درخواست رسیدگی توافقی نمود (I.C.J. Press release, 2023/77). به ادعای افریقای جنوبی، تعهد به جلوگیری از نسل‌زدایی، تعهدی عام‌الشمول برای همه دولت‌هاست و صرفاً دولتی را که این جرم در سرزمین او واقع می‌شود یا دولت‌های درگیر با آن را مکلف نمی‌سازد. براین اساس فاصله جغرافیایی

نیز ملاک نبوده و بعد مسافت تعهد را زائل ناشی از این کنوانسیون را زایل نمی‌سازد. از این حیث براساس مواد ۸ و ۹ کنوانسیون ژنوسید، ارجاع موضوع به ارکان ملل متحد از جمله رکن قضایی آن که براساس ماده ۹ اختلاف دولت‌های عضو به آن ارجاع می‌گردد، توسط یک دولت عضو علیه دولت عضو دیگر امکان‌پذیر است. براین اساس، افریقای جنوبی به عنوان خواهان نه فقط تعهد و مسئولیت مدعی علیه را یادآوری نمی‌کند بلکه بر تعهد و مسئولیت خود نیز صحه گذارده و طرح دعوا را ایفای تعهد خود دانسته و در بند سوم از موارد درخواست دستور موقت، از محکمه خواست است تا دستور دهد که «جمهوری افریقای جنوبی و اسرائیل، هر کدام باید براساس تعهدات خود براساس کنوانسیون جلوگیری و مجازات جنایت ژنوساید در رابطه با مردم فلسطین، تمام اقدامات معقولانه در حد توان خود را برای جلوگیری از ژنوساید انجام دهند.»

افریقای جنوبی از محکمه خواسته تا پیش از صدور رأی، دستور موقتی صادر نماید و این‌گونه دستور دهد که اسرائیل باید عملیات نظامی خود را در و علیه غزه به تعلیق درآورد. علاوه بر آن خواسته است که دستور دهد تا اسرائیل رعایت تعلیق مخاصمه را تضمین نموده، تمام اقدامات لازم برای جلوگیری از نسل‌زدایی، ارتکاب اعمال نسل‌زدایی و جلوگیری از آن‌ها، پیشگیری از تشویق به نسل‌زدایی، حفاظت از ادله و... را اتخاذ نماید.

محکمه هرچند وقع چندانی به همه درخواست‌های افریقای جنوبی و در رأس همه توقف عملیات نظامی اسرائیل علیه فلسطینیان در صدور دستور موقت نگذاشت اما در بند ۱ اجرایی از مدعی علیه (اسرائیل) خواست تا تمامی تدابیر ممکن برای انجام تعهداتش براساس ماده کنوانسیون ژنوسید را به کار گیرد و به‌طور خاص از قتل «گروه مورد حمایت کنوانسیون (فلسطینی‌ها)» و صدمه شدید به سلامت جسمی یا روحی اعضای گروه و قراردادن عمدی گروه در معرض وضعیت‌های نامناسبی که ممکن است منجر به

از بین رفتن کلی یا جزئی قوای جسمی آنها بشود و اقداماتی که مانع تولد و تواسل گردد، جلوگیری نماید. در بند ۲ اجرایی نیز از اسرائیل خواسته شده که تضمین نماید، قوای نظامی اش مرتکب اعمال مذکور نمی‌گردند. در بند ۳ اجرایی تأکید دارد که تمام امکانات در اختیار اسرائیل باید برای جلوگیری و مجازات تحریک مستقیم و عمومی به ارتکاب ژنوسید در رابطه با اعضای گروه فلسطینی در نوار غزه به کار گرفته شود. براساس بند ۴ نیز اسرائیل باید اقدامات فوری و موثری را برای رفع موانع ارائه خدمات نیازهای اولیه ضروری و کمک‌های بشردوستانه به انجام رسانند. در بند ۵ نیز دیوان تأکید داشته که باید از ادله مرتبط با ادعاهای نقض مواد ۲ و ۳ کنوانسیون ژنوسید در نوار غزه حفاظت نماید. در نهایت در بند ۶ اجرایی آمده است که اسرائیل باید طی یک ماه از صدور قرار، گزارشی از تمام اقدامات انجام شده در اجرایی ساختن آن ارائه نماید. (I.C.J. Order 2024). به نظر می‌رسد چنین دستوراتی صرفاً تکرار تعهدات مندرج در کنوانسیون است و هر چند از نظر حقوقی قناعت‌بخش نیست، اما از حیث سیاسی زمینه فشار افکار عمومی بر اسرائیل را فراهم خواهد کرد.

با تکرار حملات و افزایش تعداد تلفات، افریقای جنوبی یک بار در ۱۲ فبروری ۲۰۲۴ درخواست افزایش اقدامات مقدماتی و باری دیگر در ۶ مارچ ۲۰۲۴ درخواست اصلاح قرار موقت برای دستور به توقف عملیات نظامی اسرائیل را مطرح کرد که باز هم در ۲۸ مارچ ۲۰۲۴ توسط محکمه رد گردید. هم‌چنین با تهاجم زمینی اسرائیل از ۷ می ۲۰۲۴ به‌عنوان آخرین پناهگاه غزه برای بیش از یک‌ونیم میلیون فلسطینی که به صورت اجباری از شمال و مرکز غزه آواره گردیده‌اند، باری دیگری افریقای جنوبی در ۱۰ می ۲۰۲۴، درخواست فوری اصلاح صدور قرار موقت و دستور توقف عملیات اسرائیل در رفح را نمود (I.C.J. 2024/6) که در نهایت محکمه پس از بررسی وضعیت موجود و دلایلی که یادآوری می‌نماید، در بند ۵۰ قرار صادره تصریح نمود که اسرائیل باید، به صورت فوری مطابق با تعهدات خویش مبتنی بر کنوانسیون ژنوسید، تهاجم نظامی خود

علیه رفح و کلیه اقداماتش در آن منطقه را که ممکن است منجر به نابودی فیزیکی کلی یا جزئی فلسطینی‌ها در غزه گردد، متوقف سازد. البته محکمه یادآوری نموده است که تنها بر توقف عملیات نظامی در رفح تأکید دارد و این به معنی توقف عملیات نظامی به صورت کلی نیست. هم‌چنین در بند ۵۱ محکمه اسرائیل را مکلف ساخته تا تدابیر مؤثر در حفظ شواهد مربوطه و دسترسی بدون مانع کمیسیون تحقیق، هیئت حقیقت‌یاب و سایر نهادهای تحقیقی ذی‌صلاح و موظف سازمان ملل متحد در این را اتخاذ نماید (I.C.J. Order, 24 May 2024).

قضیه مذکور تا هنوز در محکمه بین‌المللی عدالت در حال بررسی و ۹ دولت (نیکاراگوئه، مالدیو، اسپانیا، ترکیه و...) از جمله فلسطین درخواست ورود ثالث به آن را داده‌اند. این موضوع نشان از تلاش دولت‌ها برای پی‌گیری حقوقی بحران غزه در محکمه را دارد و این تصور را تقویت می‌نماید که این روند بتواند در آینده‌ای نه چندان نزدیک با تحریک افکار عمومی، کمکی به علاج غده سرطانی خاورمیانه نماید.

۲-۲-۵. طرح دعوای نیکاراگوئه علیه آلمان

نیکاراگوئه که تجربیات خوبی از طرح دعوی در محکمه بین‌المللی دادگستری داشته است، پس از اوج گرفتن بحران غزه و افزایش کشتار افراد ملکی در سرزمین‌های اشغالی توسط اسرائیل، با طرح دعوایی مبتنی بر این که آلمان نه تنها اقدامی را برای جلوگیری از نسل‌زدایی توسط اسرائیل به عنوان یک تعهد عام بین‌المللی، انجام نداده است بلکه با دادن تسلیحات به اسرائیل و هم‌چنین تعلیق کمک‌های مالی به UNRWA هم به تعهدات خود براساس کنوانسیون ژنوساید و حقوق بین‌الملل بشردوستانه عمل نموده و هم به اسرائیل به عنوان ناقض این قواعد مساعدت کرده است. نیکاراگوئه مدعی است که دولت آلمان مجوزی برای سال ۲۰۲۳ صادر نمود است که صادرات تجهیزات نظامی و تجهیزات جنگی از این کشور به اسرائیل را به ارزش بیش از ۱۰ برابر سال ۲۰۲۲

افزایش می دهد در حالی که نباید این احتمال را نادیده بگیرد که ممکن است، تجهیزات نظامی و سلاح های جنگی داده شده به اسرائیل برای بمباران های شود که باعث کشتن هزاران فرد ملکی اعم از اطفال و زنان و مردان فلسطینی شود (I.C.J., 2024/4, p.2). نیکاراگوئه از محکمه خواسته است دستور اقدامات موقتی برای جلوگیری از ارائه تسلیحات از سوی آلمان به اسرائیل را صادر نماید.

آلمان در پاسخ به ادعاهای صورت گرفته از سوی نیکاراگوئه این گونه پاسخ داده است که برای عمل به تعهدات شامل کنوانسیون ژنوسید، تمام ابزارهای معقول برای اعمال نفوذ بر اسرائیل جهت بهبود وضعیت غزه و کمک های بشردوستان به مردم این سرزمین را مورد استفاده قرار داده و از براساس کنوانسیون های ژنو نیز هیچ تعهدی برای دولت هایی که طرف مخاصمه نیستند برای خودداری از ارائه حمایت نظامی به دولت طرف مخاصمه وجود ندارد (I.C.J. Verbatim Record, CR 2024/16, p. 38-41). این دولت هم چنین ادعا نموده است که استندردهای سختگیرانه ای برای صدور مجوز انتقال تجهیزات نظامی دارد که خطر نقض جدی کنوانسیون ژنوساید، حقوق بین الملل بشردوستانه و سایر قواعد آمره حقوق بین الملل از سوی دولت دریافت کننده تجهیزات را مورد ارزیابی قرار می دهد. این دولت تأکید داشت که ۹۸ فیصد مجوزهای صادر شده بعد از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ مرتبط با «سلاح های جنگی» نبوده و شامل «سایر تجهیزات نظامی» است. در نهایت این که هیچ مدرکی دال بر این که ارائه تجهیزات نظامی به اسرائیل باعث تسهیل نسل زدایی ادعایی و یا نقض حقوق بین الملل بشردوستانه شده باشد، وجود ندارد (I.C.J., 2024/4, p.2-3).

دیوان با بررسی ادعاهای طرفین دعوی در ۳۰ اپریل ۲۰۲۴، نسبت به وضعیت فاجعه بار زندگی فلسطینیان در باریکه غزه ابراز نگرانی کرده، بر اهمیت تعهدات مندرج در حقوق بین الملل بشردوستانه و کنوانسیون ژنوسید تأکید و تعهدات دولت ها برای انتقال

تسهیلات به طرف‌های درگیر مخاصمه را یادآوری نموده و در نهایت ضرورت اتخاذ اقدامات موقتی را رد نموده است (I.C.J. Order, 2024).

هرچند نتیجه درخواست نیکاراگوئه برای دستور اقدامات موقت به نتیجه‌ای نائل نگردید اما دعوی مذکور تاکنون خاتمه نیافته است و ممکن است روند رسیدگی نتایجی در بر داشته باشد. با این حال صرف طرح دعوی از این دست و هم‌چنین تأکید دیوان بر فاجعه‌بار بودن وضعیت فلسطینیان و تأکید برای رعایت قواعد حقوق بین‌الملل مرتبط با بحران غزه بر عملکرد و تعامل دولت‌ها با اسرائیل تأثیرگذار خواهد بود.

۶. توسل به محکمه جزایی بین‌المللی

محکمه جزایی بین‌المللی^۱، که براساس اساسنامه رم اداره می‌شود، اولین محکمه جزایی بین‌المللی دائمی، مبتنی بر معاهده است که با هدف پایان دادن به معافیت از مجازات مرتکبان جدی‌ترین جنایات در جامعه بین‌المللی تأسیس شده است. این محکمه یک سازمان بین‌المللی مستقل است و بخشی از ساختار ملل متحد نیست. این نهاد نمادی از تحقق آرزوی دیرین جامعه بین‌المللی برای ایجاد یک محکمه بین‌المللی دائمی برای محاکمه و مجازات مرتکبین ژنوسید، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی است که جامعه بین‌المللی در قرن بیستم در مورد تعاریف آن‌ها به اجماع رسیده است. شاید بتوان گفت سابقه تلاش برای تشکیل چنین محکمه‌ای به محاکم نورنبرگ و توکیو پس از جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد که به جنایات جنگی، جنایات علیه صلح و جنایات علیه بشریت ارتكابی در طول این جنگ پرداختند. در دهه ۱۹۹۰ نیز پس از پایان جنگ سرد، محاکمی مانند محکمه جزایی بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا نتیجه اجماع دولت‌ها در مورد غیرقابل قبول دانستن معافیت از مجازات بود. با این حال، از آنجایی که آن‌ها برای رسیدگی به جرایم ارتكابی تنها در یک چارچوب زمانی خاص و

¹ - International Criminal Court (ICC).

در خلال یک درگیری خاص تأسیس شدند، توافق کلی وجود داشت که یک محکمه جزایی مستقل و دائمی مورد نیاز است. در ۱۷ جولای ۱۹۹۸، جامعه بین‌الملل به یک نقطه عطف تاریخی رسید که در آن ۱۲۰ دولت اساسنامه رم را که مبنای قانونی تأسیس محکمه جزایی بین‌المللی دائمی بود، تصویب کردند. اساسنامه رم در ۱ جولای ۲۰۰۲ پس از تصویب توسط ۶۰ کشور لازم‌الاجرا شد و محکمه فعالیت خود را آغاز نمود (ICC-PIOS-FS-01-008/23_Eng).

اگر از رویکرد «مکتب جامعه بین‌المللی» به این نهاد بنگریم، این نهاد از طریق محاکمه و مجازات عاملان جنایات شدید بین‌المللی می‌تواند به‌عنوان یک عامل بازدارنده در برابر نقض قواعد مهم حقوق بشر بین‌المللی و حقوق بشردوستانه بین‌المللی نقش ایفا نماید و از آن جایی که نقض این دسته از قواعد می‌تواند زمینه‌ساز از بین رفتن نظم، صلح و امنیت بین‌المللی گردد، کارکرد این نهاد در حفظ نظم و صلح بین‌المللی برازنده خواهد بود. با چنین پیش فرضی در این بخش سعی داریم تا پیوند این عملکرد محکمه با وضعیت موجود در سرزمین‌های اشغالی فلسطین را واکاوی نماییم.

۶-۱. عضویت در محکمه

علی‌رغم چالش‌های سیاسی مختلف و مخالفت‌های بسیاری از دولت‌ها، دولت فلسطین کنش‌گری خوبی در روند پیوستن به محکمه داشته است. در پی حمله اسرائیل به غزه از دسامبر ۲۰۰۸ تا جنوری ۲۰۰۹، «علی خاشان» وزیر عدلیه حکومت خودگردان فلسطین با استناد به بند ۳ ماده ۱۲ اساسنامه در ۲۲ جنوری ۲۰۰۹ اعلامیه‌ای دال بر پذیرش صلاحیت محکمه صادر نمود که در آن اعلام گردیده بود که «بدین وسیله حکومت فلسطین صلاحیت محکمه را نسبت به اعمال ارتكابی در قلمرو فلسطین را از ابتدای جولای ۲۰۰۲ به رسمیت می‌شناسد». هم‌چنین درخواست تحقیق در مورد جنایات جنگی اسرائیل علیه غزه در دسامبر ۲۰۰۸ تا جنوری ۲۰۰۹ تسلیم محکمه گردید. فلسطین در همین سال درخواست عضویت در محکمه را نیز نمود که با سوالاتی مواجه و سارنوال

محکمه در مورد شناسایی فلسطین به عنوان دولت مطالبه نظر نمود و در پاسخ ملل متحد اعلام داشت که فلسطین به عنوان دولت شناسایی نشده است. پس از تحولات سال ۲۰۱۲ و پذیرش فلسطین به عنوان «دولت [ناظر] غیرعضو» زمینه عضویت این دولت در محکمه جزایی بین‌المللی نیز فراهم گردید و محمود عباس در ۳۱ دسمبر ۲۰۱۴، معاهد رم (اساسنامه محکمه) را امضا و این دولت در ۲ جنوری ۲۰۱۵ اسناد الحاق به اساسنامه را به سرمنشی ملل متحد سپرد که بر اساس ماده ۱۲۶ اساسنامه، این سند از اول اپریل ۲۰۱۵ برای فلسطین لازم‌الاجرا و قاضی کانیکو اوزاکی نایب دوم رئیس محکمه به نمایندگی از رئیس در اول اپریل ۲۰۱۵، رسمیت یافتن عضویت فلسطین در محکمه را تبریک گفت (بحرینی و رضانی قوام آبادی، ۱۴۰۱: ۸).

عضویت فلسطین در محکمه از یک سو در تثبیت جایگاه این دولت و شناسایی آن توسط دیگر دولت‌ها مؤثر بوده و از سوی دیگر زمینه اعمال صلاحیت محکمه در مورد جرایم ارتكابی در قلمرو فلسطین و مقابله با ارتكاب جنایات بشری و جرایم جنگی در این سرزمین را فراهم ساخته است. چنان‌که در ادامه مرور خواهد گردید، مانند همیشه که همواره عملکرد محکمه با سوالات و انتقاداتی مواجه بوده است، در رابطه با فلسطین نیز این محکمه هر چند اقداماتی را روی دست گرفته، در عمل موثریت چندانی را نداشته است.

۲-۶. ارجاع موضوع به محکمه جزایی بین‌المللی

دولت فلسطین قبل از امضای سند تأسیس توسط محمود عباس در اول جنوری ۲۰۱۵ اعلامیه‌ای براساس بند ۳ ماده ۱۲ نیز تسلیم محکمه جزایی بین‌المللی کرده و صلاحیت محکمه در مورد جنایات ادعایی ارتكاب شده در سرزمین‌های اشغالی فلسطین و از جمله اورشلیم شرقی از جون ۲۰۱۴ را پذیرفت و خواستار رسیدگی به این جرایم گردید. از آنجایی که براساس بند ۱ ماده ۵۳ اساسنامه محکمه، سارنوال باید مسایل

مربوط به صلاحیت، قابل پذیرش بودن و اقتضای عدالت در هر وضعیتی بررسی نماید، در پاسخ اعلامیه پذیرش صلاحیت و مطالبه رسیدگی، سارنوال محکمه قبل از لازم‌الاجرا شدن معاهده رم برای دولت فلسطین، از آغاز یک بررسی مقدماتی در مورد وضعیت دولت فلسطین را برای تعیین اینکه معیارهای حقوقی معاهده رم برای شروع تحقیقات محقق است یا خیر، خبر داد. در ادامه این موضوع در ۲۲ می ۲۰۱۸ دولت فلسطین این بار به عنوان یک دولت عضو براساس بند الف ماده ۱۳ و ماده ۱۴ اساسنامه محکمه، وضعیت فلسطین را به سارنوالی محکمه ارجاع داده و خواستار بررسی جرایم ارتكابی از ۱۳ جون ۲۰۱۴ بدون تاریخ پایان گردید. چنین ارجاعی به صورت اتوماتیک منجر به شروع تحقیقات نمی‌گردید و سارنوال باز هم باید به تعیین این موضوع می‌پرداخت که آیا معیارهای حقوقی برای شروع تحقیقات رعایت گردیده است یا خیر (www.icc-cpi.int/palestine).

در ۲۰ دسامبر ۲۰۱۹، سارنوال محکمه اعلام کرد که پس از یک ارزیابی کامل، مستقل و عینی از اطلاعات موثق در دسترس دفتر او، بررسی اولیه در مورد این وضعیت با تعیین اینکه تمام معیارهای حقوقی مطابق اساسنامه برای آغاز تحقیقات انجام شده است. با این حال با در نظر داشت مسایل پیچیده حقوقی و واقعی مرتبط با این وضعیت به ویژه عدم مشخص بودن وضعیت قلمرو فلسطین، سارنوال در تاریخ ۲۲ جنوری ۲۰۲۰ از شعبه اول مقدماتی (پیش‌محاکمه) محکمه درخواست نمود تا حکمی برای واضح ساختن محدوده قلمرو صلاحیت محکمه در این وضعیت صادر نماید (ICC-01/18-12). شعبه اول مقدماتی (پیش‌محاکمه) در ۲۸ جنوری ۲۰۲۰ قراری را در مورد رویه و برنامه زمان‌بندی برای بررسی شواهد جهت ارائه پاسخ مطالبات سارنوال صادر نمود و از دولت فلسطین و اسرائیل و دیگر دولتها خواست تا چنانچه ملاحظاتی داشته باشند، به محکمه ارسال نمایند (ICC-01/18-14). در ۵ فبروری ۲۰۲۱ شعبه مذکور صلاحیت جزایی محکمه را در مورد وضعیت فلسطین احراز و دامنه سرزمینی این صلاحیت را تمام

غزه و کرانه باختری، از جمله بیت المقدس شرقی اعلام نمود (ICC-01/18-143) و پس از آن در ۳ مارچ سارنوال آغاز تحقیقات در مورد وضعیت را فلسطین اعلام کرد. با وقوع طوفان الاقصی و اقدامات غیرمشروع اسرائیل علیه مردم بی دفاع غزه، دولت های افریقای جنوبی، بنگلادش، بولیوی، کومور و جیوتی به صورت مشترک بر مبنای بند الف ماده ۱۳ و ماده ۱۴ اساسنامه در تاریخ ۱۷ نوامبر ۲۰۲۳ خواستار رسیدگی به وضعیت فلسطین در محکمه جزایی بین المللی گردیدند (www.icc-cpi.int, Nov. 2023). بر همان مبنای جمهوری چیلی و دولت متحد مکزیک نیز به صورت مشترک در ۱۸ جنوری ۲۰۲۴ خواستار رسیدگی به وضعیت فلسطین در محکمه جزایی بین المللی گردیدند (www.icc-cpi.int, Jan, 2024).

۶-۳. صدور حکم بازداشت متهمین در قضیه فلسطین

در پی ارجاعات متعدد وضعیت فلسطین از سوی دولت فلسطین و ۷ دولت دیگر به محکمه جزایی بین المللی و تحریک افکار عمومی در پی وقایع بعد از ۷ اکتوبر و فشار ناشی از آن بر محکمه مذکور و هم چنین گزارش گروه متخصصین حقوق بین الملل که به درخواست کریم آغاخان (سارنوال محکمه) ارائه گردید (www.icc-cpi.int, 2024)، در نهایت در ۲۰ می ۲۰۲۴ سارنوال محکمه جزایی بین المللی از شعبه اول مقدماتی (پیش محاکمه) خواست تا حکم بازداشت یحیی سنوار، محمد دیاب ابراهیم المصری (معروف به محمد ضیف) و اسماعیل هنیه را به اتهام ارتکاب جرایم جنگی و جنایت علیه بشریت که حداقل از ۷ اکتوبر ۲۰۲۳ در خاک اسرائیل و دولت فلسطین (در نوار غزه) مرتکب شده اند و هم چنین حکم بازداشت بنیامین نتانیاهو (صدراعظم اسرائیل) و یوآو گالانت (وزیر دفاع اسرائیل) را به اتهام ارتکاب جرایم جنگی و جنایات علیه بشریت که حداقل از ۸ اکتوبر ۲۰۲۳ در قلمرو سرزمینی فلسطین (در نوار غزه) مرتکب شده اند صادر نماید. البته پس از شهادت اسماعیل هنیه در اثر حمله اسرائیل، سارنوال در ۹ اگست

۲۰۲۴ انصراف خود از درخواست صدور قرار بازداشت وی را به شعبه اول مقدماتی (پیش محاکمه) اعلام داشت. لازم به ذکر این که تا کنون بررسی معیارهای حقوقی در رابطه به صدور قرار بازداشت افراد مذکور در شعبه اول مقدماتی (پیش محاکم) تکمیل نگردیده و جامعه بین‌المللی در انتظار نظر آن می‌باشد (www.icc-cpi.int/palestine).

آن‌چه در مورد فعالیت و تصمیم سازنوال محکمه در رسیدگی به وضعیت فلسطین قابل توجه می‌نماید، تمرکز وی بر جرایم و جنایات پس از ۱۷ اکتوبر ۲۰۲۳ و عدم توجه به جرایم مشمول صلاحیت زمانی محکمه است که براساس درخواست و ارجاع انجام شده از سوی فلسطین از ۱۳ جون ۲۰۱۴ است که ممکن است به دلیل نگاه محدود وی و یا توجه بیشتر و گسترده‌گی جرایم و جنایات پس از ۱۷ اکتوبر ۲۰۲۳ باشد. از طرفی دیگر علی‌رغم این که اتهامات وارده در آستانه‌ای برابر با ژنوساید است، وی در مطالبه حکم بازداشت به جنایت ژنوساید که از سال ۲۰۱۷ به بعد در صلاحیت محکمه قرار گرفته است، عنایتی نداشته است. با توجه به دعاوی مطرح شده در محکمه بین‌المللی عدالت علیه اسرائیل مبنی بر نقض کنوانسیون ژنوساید، می‌توانست تبارزی از هماهنگی و همکاری میان دو محکمه بین‌المللی باشد.

نتیجه

در جمع‌بندی آن‌چه در این مقاله پیرامون استفاده از ابزارهای حقوقی در حل بحران غزه به بررسی گرفته شد، یادآوری این نکته ضروری است که مفهوم حقوق به‌طور کلی از مفهوم قدرت جدا ناشدنی است. این مفاهیمی همواره در پیوند با یکدیگر بوده و تفکیک این‌ها از یکدیگر تخیلی و غیرواقعی خواهد بود. مفاهیم حقوقی مانند «تأمین عدالت»، «تطبیق حقوق بشر»، «مسئولیت بین‌المللی»، «محاکمه و مجازات جنایتکاران» و مانند اینها همه در پیوند با قدرت معنا یافته و قابل تطبیق می‌باشند. استفاده از ابزارهای حقوقی را که امروزه برخی آن را در مفهوم جدید «جنگ حقوقی» جا می‌دهند، در جامعه بین‌المللی امروز کارکرد بیانی و مشروعیت‌زدایی از رفتارهای جنایتکاران و منزوی ساختن و افزایش

هزینه حمایت از آنها است که در نتیجه باعث بازدارندگی خواهد گردید. اقدامات پیش گفته این مقاله که شامل تلاش فلسطین برای عضویت در نهادهای بین المللی، نتایج فعالیت کمیسیون‌های متعدد بین المللی برای تحقیق و سازش، توسل به محکمه بین المللی عدالت و ارجاع وضعیت فلسطین به محکمه جزایی بین المللی، می‌توانند ابزارهایی در راستای اثبات عدم مشروعیت اقدامات اسرائیل، تحریک افکار عمومی به‌عنوان یک ضمانت اجرا در حقوق بین الملل و در نهایت اعمال فشار بر اسرائیل و حامیان آن باشد. با این حال فراموش نباید کرد که این ابزارهای حقوقی هرچند از دیدگاه مکتب انگلیسی از جایگاهی دارای اهمیت برخوردار و بخشی از اسباب کارایی نظم بین الملل است، اما از آنجایی که در این رویکرد نیز مانند رویکرد واقع‌گرایی (رئالیسم) تمرکز اصلی بر نقش دولت‌ها و وظایف آنها در جامعه بین الملل است، اثرگذاری مفید آنها در گرو همراهی گروه‌های دولتی است و در آن دولت‌ها به درجات مختلف با یکدیگر همکاری خواهند نمود.

در نظام کنونی بین المللی استفاده از نهادهای حقوقی بین المللی و سازمان‌های بین المللی با توجه به جایگاه خاص ملل متحد در حفظ صلح و امنیت بین المللی وابستگی زیادی به عملکرد ارکان این سازمان از جمله رکن اجرایی آن که شورای امنیت ملل متحد است، دارد. این رکن ملل متحد که بیشتر یک رکن سیاسی است که عملکرد آن گره خورده با منافع سیاسی دولت‌های عضو به‌ویژه اعضای دائم دارای حق وتوست، در تطبیق تصمیمات سازمان‌های و اثرگذاری دیگر نهادهای بین المللی همچون حقوق بین الملل و توازن قوا دارد. در طول عمر ملل متحد نظم بین المللی به میزان بسیار زیادی متأثر از استفاده دولت‌هایی مانند روسیه و ایالات متحده بوده است و در وقایع کنونی مانند جنگ روسیه و اوکراین و همچنین بحران غزه نیز نمی‌توان استفاده از این کارت توسط این دولت و همراهان آنها در شورای امنیت را بی‌تأثیر دانست.

در نهایت باید گفت، با وجود این که تلاش‌های فراوانی از سوی دولت فلسطین و دیگر دولت‌های اعم از طرف‌دار فلسطین و یا بی‌طرف صورت گرفته است و نتایجی ملموسی را نیز در پی داشته، اقدامات نظامی و سیاسی می‌تواند مانند یک کاتالیزور تأثیرات منفی و مثبت بر آن نتایج آن داشته باشد. ناموفق بودن نهادهای بین‌المللی در حل بحران غزه بیش از آن که به قوت و ضعف و یا فعالیت و عدم فعالیت سازمان‌های بین‌المللی ارتباط داشته باشد، مرتبط با ساختار و نظام بین‌الملل است که به اعتقاد بسیاری از دولت‌ها ضرورت به اصلاح دارد. این باور تا جایی پیش رفته است که در اجلاس هفتاد و نهم ملل متحد در سال ۲۰۲۴، سندی تحت عنوان «پیمان برای آینده»^۱ به تصویب رسید که ناظر به ۵۶ نکته در ارتباط با چگونگی تقویت چند جانبه‌گرایی و بهبود همکاری‌های بین‌المللی برای مقابله با بحران‌ها و درگیری‌های جهانی بوده و در بخش دوم آن تأکید جدی بر اصلاح ساختار شورای امنیت ملل متحد به منظور دستیابی به نمایندگی بهتر و عادلانه‌تر دولت‌ها در سطح بین‌المللی شده است (A/RES/79/1).

¹ - The Pact for the Future.

منابع:

- رابرت جکسون و گئورگ سورنسون، (۱۳۸۵)، **درآمدی بر روابط بین الملل**، تهران، میزان

- محمد یوسفی جویباری و ناصر خورشیدی، (۱۳۹۷)، «دیالکتیک حقوق و سیاست در رهیافت مکتب انگلیسی روابط بین الملل»، **فصلنامه سیاست**

- معصومه غنی‌لو؛ سیدفرشید جعفری پابندی و سعید وثوقی، (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی مفاهیم روابط بین الملل از منظر رئالیسم و مکتب انگلیسی»، **فصلنامه علوم سیاسی**

- جلال بحرینی و محمد حسین رضوانی قوام‌آبادی، (۱۴۰۱)، «امکان‌سنجی رسیدگی دیوان بین‌المللی کیفری به وضعیت فلسطین و تبعات احتمالی آن»، **فصلنامه**

مطالعات حقوق عمومی

- محمد حسین رضوانی قوام‌آبادی، (۱۳۹۵)، «از شناسایی دولت فلسطین تا عضویت در دیوان بین‌المللی کیفری»، **فصلنامه دولت‌پژوهی**

- همایون حبیبی و سوده شاملو، (۱۳۹۲)، «نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در توسعه حقوق بین‌الملل»، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**

- Barry Buzan, *From International to World Society? English School Theory and the Social Structure of Globalisation*, Cambridge University Press, (2004).
- OCHA, *Flash Appeal: Occupied Palestinian territory* (April 2024). Available at: https://www.unocha.org/attachments/3fab34aa-fd12-421c-bec7-950bc2b408cc/OPT_Flash_Appeal_2024_EN.pdf
- Ochaopt.org (September 2024), Available at: <https://www.ochaopt.org/content/humanitarian-situation-update-214-gaza-strip>
- United Nations, *The Question of Palestine and United Nations*, 2008. <https://digitallibrary.un.org/record/653805?v=pdf#files>

- A/HRC/RES/S-30/1 (28 May 2021), "Ensuring respect for international human rights law and international humanitarian law in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and in Israel", Available at:
<https://undocs.org/A/HRC/RES/S-30/1>
- ohchr.org (May 2021), "The Independent International Commission of Inquiry on the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and Israel", Available at:
<https://www.ohchr.org/en/hr-bodies/hrc/co-israel/index>
- A/HRC/56/26 (issued 12 June 2024), "Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and Israel", Available at:
<https://www.ohchr.org/sites/default/files/documents/hrbodies/hrcouncil/sessions-regular/session56/a-hrc-56-26-auv.docx>
- S/RES/2735 (10 June 2024), Available at:
[https://undocs.org/S/RES/2735\(2024\)](https://undocs.org/S/RES/2735(2024))
- A/Res/3237 (XXIX) (22 Nov 1974), Available at:
<https://documents.un.org/doc/resolution/gen/nr0/738/39/pdf/nr073839.pdf>
- A/RES/43/177 (15 December 1988), Available at:
<https://documents.un.org/doc/resolution/gen/nr0/531/56/img/nr053156.pdf>
- A/Res/52/250 (7 July 1998), Available at:
<https://documents.un.org/doc/undoc/gen/n98/773/11/pdf/n9877311.pdf>
- S/RES/1397 (12 March 2002), Available at:
<https://documents.un.org/doc/undoc/gen/n02/283/59/pdf/n0228359.pdf>
- S/RES/1515 (19 November 2003), Available at:
<http://unscr.com/en/resolutions/doc/1515>
- GA/11676 (10 September 2015), Available at:
<https://press.un.org/en/2015/ga11676.doc.htm>
- A/RES/73/5 (17 October 2018), Available at:
<https://documents.un.org/doc/undoc/gen/n18/324/01/pdf/n1832401.pdf>
- News.un.org (September 2022), "Palestine calls for full UN membership and a plan to end the occupation", Available at:
<https://news.un.org/en/story/2022/09/1127771>

- press.un.org (April 2024), "Security Council Fails to Recommend Full United Nations Membership for State of Palestine, Owing to Veto Cast by United States", Available at:
<https://press.un.org/en/2024/sc15670.doc.htm>
- A/ES-10/L.30/Rev.1 (9 May 2024), Available at:
<https://documents.un.org/doc/undoc/ltd/n24/129/97/pdf/n2412997.pdf>
- un.org (September 2011), "Application of Palestine for admission to membership in the United Nations", Available at:
<https://www.un.org/unispal/document/auto-insert-184036/>
- CERD/C/103/R.6 (20 May 2021), Available at:
https://unwatch.org/wp-content/uploads/2021/05/CERD_C_103_R-6_9416_E.pdf
- CERD/C/113/3 (21 August 2024), Available at:
<https://documents.un.org/doc/undoc/gen/g24/107/26/pdf/g2410726.pdf>
- A/RES/ES-10/14 (12 December 2003), Available at:
<https://documents.un.org/doc/undoc/gen/n03/646/93/pdf/n0364693.pdf>
- I. C. J. Reports (2004), "Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory", Available at:
<https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/131/131-20040709-ADV-01-00-EN.pdf>
- A/RES/77/247 (9 January 2023), Available at:
<https://documents.un.org/doc/undoc/gen/n23/004/68/pdf/n2300468.pdf>
- I.C.J. Reports (2024), "Legal Consequences Arising from the Policies and Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory, Including East Jerusalem", Available at:
<https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/186/186-20240719-adv-01-00-en.pdf>
- I.C.J. Reports (1951), "Reservations to the Convention of Genocide", Available at:
<https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/12/012-19510528-ADV-01-00-EN.pdf>
- I.C.J. Press release 2019/47 (2019), Available at:

<https://icj-cij.org/sites/default/files/case-related/178/178-20191111-PRE-01-00-EN.pdf>

- I.C.J. Press release 2022/4 (2022), Available at:
<https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/182/182-20220227-PRE-01-00-EN.pdf>
- I.C.J. Press release 2023/77 (2023), Available at:
<https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/192/192-20231229-pre-01-00-en.pdf>
- I.C.J. Press release 2024/19 (2024), Available at:
<https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/193/193-20240301-pre-01-00-en.pdf>
- I.C.J. Summary, 2024/4 (2024), Available at:
<https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/193/193-20240430-sum-01-00-en.pdf>
- I.C.J. Verbatim Record, CR 2024/16 (2024), Available at:
<https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/193/193-20240409-ora-01-00-bi.pdf>
- I.C.J. Order (30 April 2024), Available at:
<https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/193/193-20240430-ord-01-00-en.pdf>
- I.C.J. Summary, 2024/6 (2024), Available at:
<https://icj-cij.org/sites/default/files/case-related/192/192-20240524-sum-01-00-enc.pdf>
- I.C.J. Order (24 May 2024), Available at:
<https://icj-cij.org/sites/default/files/case-related/192/192-20240524-ord-01-00-en.pdf>
- ICC-PIOS-FS-01-008/23_Eng, Available at:
<https://www.icc-cpi.int/sites/default/files/2023-03/ICCAatAGlanceENG.pdf>
- www.icc-cpi.int/palestine
- www.icc-cpi.int (20 December 2019), Available at:
<https://www.icc-cpi.int/news/statement-icc-prosecutor-fatou-bensouda-conclusion-preliminary-examination-situation-palestine>

- ICC-01/18-12 (22 January 2020), Available at:
https://www.icc-cpi.int/sites/default/files/CourtRecords/CR2020_00161.PDF
- ICC-01/18-14 (28 January 2020), Available at:
https://www.icc-cpi.int/sites/default/files/CourtRecords/CR2020_00217.PDF
- ICC-01/18-143 (05 February 2020), Available at:
https://www.icc-cpi.int/sites/default/files/CourtRecords/CR2021_01165.PDF
- www.icc-cpi.int (17 November 2023), Available at:
<https://www.icc-cpi.int/sites/default/files/2023-11/ICC-Referral-Palestine-Final-17-November-2023.pdf>
- www.icc-cpi.int (17 November 2023), Available at:
https://www.icc-cpi.int/sites/default/files/2024-01/2024-01-18-Referral_Chile_Mexico.pdf
- www.icc-cpi.int (20 May 2024), Available at:
<https://www.icc-cpi.int/sites/default/files/2024-05/240520-panel-report-eng.pdf>
- A/RES/79/1 (22 September 2024), Available at:
<https://documents.un.org/doc/undoc/gen/n24/272/22/pdf/n2427222.pdf>